

نوشته : دکتر رضا مظلومان استاد دانشگاه تهران و معاون وزارت آموزش و پرورش

(قسمت دوم)

وندامت میکنند . فرد مست نه تنها فاقد عاطفه ، شفقت و گذشت و انسانیت است بلکه بعلت تشنجات شدید عصبی که به آن گرفتار می‌باشد آرامش و تعادل روحیش نیز دچار اختلال و آشوب است و در چنین حالتی است که بتندخوئی و پرخاشگری می‌پردازد و مرتکب جرمهای بسیار سنگینی میشود . آنریکوفری برای نشان دادن شومی این آفت اجتماعی متوسل بیک ضرب‌المثل عرب میشود که درخت‌سورا توصیف کرده است . این ضرب‌المثل میگوید : ^۸

«درخت سوبوسيله آدم کاشته شدوياً خون میمون ، شیر و خوک آبیاری گردید»
ونس تومپسون Vance Thompson ازالکل و بی‌حیایی بعنوان دوقلوهای جدا ناشدنی نام میرید ^۹ و ما کسول مینویسد که الکلیم بهمان اندازه که برای افراد ، سرچشمه تمام مفاسد وحشتناک و تباهیهای خانمان‌برانداز است برای ملتها نیز از آفتهای بزرگ بشمار

۲- الکل و اثرات اجتماعی آن :

از اثرات شوم دیگر الکل ناراحتیها و عوارض بزرگی است که در اجتماع بوجود می‌آورد وصیانتش را در معرض خطر قرار میدهد ، بزهکاریهای مختلف ، سنگدلی‌ها و قساوتهائی که بجرمهای بسیار سنگین منجر میشود ، تجاوزات جنسی و سوءقصد های اخلاقی از جمله اثرات الکل در اجتماع است.

I- الکل و بزهکاری

مستی ناشی از آشامیدن الکل قادرست هرگونه عامل بازدارنده را که میتواند بخوبی با اعمال خلاف و رفتارهای ضداجتماعی مبارزه نماید درهم بکوبد و قدرتش را نابود سازد ، بهمین جهت بسیاری از اشخاص مست که درحالت عادی هیچگاه مرتکب رفتارهای ناشایست نمیشوند پس از نوشیدن الکل دست باعملی میزنند که پس از هوشیاری تا اعماق وجودشان احساس شرساری

الکل مردوزن نمی شناسد ، هرکس باین
 بلائی بزرگ معتاد شد یا چند لحظه بغفلت
 دچار گردید و از آن مصرف کرد ، هرآن احتمال
 سقوط او در وسطه بزهکاری خواهد رفت ، مادام
 تارنوسکسی Mme Tarnovsky در اثر مطالعات
 خود اثبات کرد که ۸۲٪ از زنهای مجرم
 در اثر الکل کنترل خود را از دست داده
 و بصورت موجوداتی فاقد اراده بسوی اعمال
 ضد اجتماعی رانده شده اند . ۱۱

کین برگ مینوسد در سال ۱۹۴۴
 درسوند یک هیئت رسمی انتخاب شد تا
 خصوصیات معتادان بصرف مشروبات الکلی
 را مورد بررسی خود قرار دهد ، این هیئت
 موفق شد که ۱۶۶۶ پرونده قضائی افرادی
 را که حداقل ۲۵ سال داشتند دقیقاً مطالعه
 نماید .

هیئت سزبور با توجه به تحقیقات کاملی
 که انجام داد ، افراد مورد مطالعه را سه
 شش دسته تقسیم کرد :

۱ - اولین دسته افرادی را شامل میشد
 که توسط انجمن ضدالکل ، محدودیتهایی
 برای آشامیدن الکل آنها بوجود آمده بود ،
 از این عده ۴۸/۲۴٪ بمجازانتهای گوناگون
 نیز محکوم شده بودند .

۲ - دومین دسته از کسانی تشکیل
 میشد که اعتیاد شدیدی بالکل داشتند
 و بعلت تظاهرات مستانه در سلاء عام حداقل
 سه دفعه محکوم شده بودند . ۳۴/۲۸٪ از
 این افراد بعلت جرائم مختلف دیگر محکومیت
 داشتند .

۳ - سومین دسته مرکب از افرادی بود
 که بعلت مستی ویرخی تخلفات دیگر ناشی
 از نوشیدن الکل در مدت ده سال دو محکومیت
 داشتند . ۱۹/۱۳٪ بازم در معرض اتهام
 بودند .

۴ - چهارمین دسته کسانی را شامل
 میشد که در نوشیدن مشروبات الکلی جنبه
 احتیاط را از دست نداده و آنرا کاملاً رعایت
 کرده بودند ، نسبت محکومان ایندسته
 ۳/۶٪ بود .

۵ - پنجمین دسته افرادی بودند که
 تقریباً از آشامیدن مشروبات الکلی خودداری
 میکردند و در برابر وسوسه هایش از خود
 مقاومت نشان میدادند ، از این عده ۳/۶٪
 به مجازاتهای مختلف محکوم شده بودند .

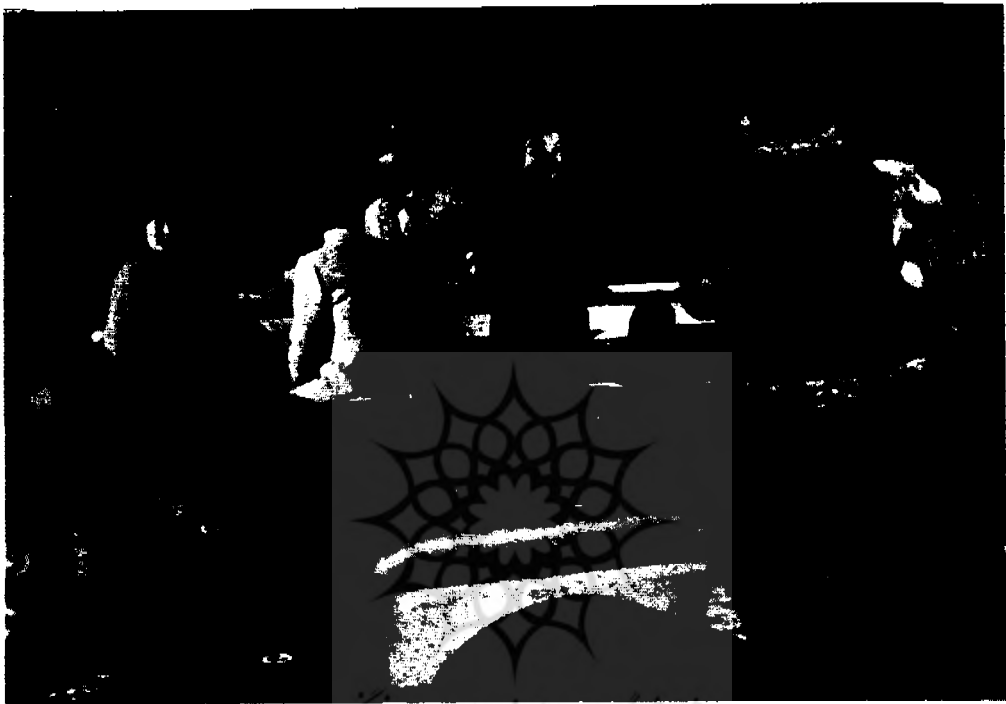
۶ - ششمین دسته نیز افرادی را در
 برمیگرفت که از دسته پنجم بیشتر مقاومت
 کرده و از نوشیدن الکل سر باز زده بودند
 نسبت محکومان این دسته ۱/۳٪ بود .

برحسب همین کمیسیون خطرات کتاب
 جرم که منجر به تشکیل پرونده قضائی شود
 برای سه دسته اول بترتیب ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱
 مرتبه بیشتر از گروههای دیگر بود . ۱۲

کین برگ مینوسد که بهمت دکتر ایوان
 برات (Evan Bratt) از اول ژانویه ۱۹۲۴
 محدودیتهای بسیاری در فروش مشروبات
 الکلی در سوئد بوجود آمد . نتیجه آن شد
 که رقم محکومیهائی که بواسطه تظاهرات
 مستانه در سلاء عام صورت گرفته بود از
 ۵۹۰۰۰ در سال ۱۹۱۳ به ۳۰۰۰۰ در
 سال ۱۹۳۱ کاهش یافت و این رقم تقریباً
 بانوسانات غیر قابل توجهی تا سال ۱۹۴۲
 ادامه داشت ۱۳

در سال ۱۹۵۴ تحت فشار مصرف
 کنندگان و فروشندگان مشروبات الکلی ،
 روش محدودیتی را که دکتر برات ایجاد کرده
 بود توسط ریکداک (Riksdag) ملغی گشت
 و فروش آنها از جهت آزاد شد .

تصمیم فوق که از اول اکتبر ۱۹۵۵
 بمرحله عمل درآمد نتایج وحشتناک و شومی



منحنی بیماری نیز بعد وحشتناک راه صعود درپیش گرفت.^{۱۰}

اثرشوم دیگر آزادی الکل در سوئد بالا رفتن خیلی سریع رقم تجاوزاتی بود که توسط جوانان صورت گرفت زیرا در سال ۱۹۵۳ درصد جوانانی که بین سنین ۱۷ و ۱۵ ساله بعلت تظاهرات مستانه درمسلاه عام محکوم شده بودند از $\frac{۲}{۶}$ درهزار به $\frac{۵}{۶}$ در هزار درسال ۱۹۵۶ سبدل شد.^{۱۶}

نتیجه دیگر این آزادی آن شد که سازمانها و مؤسساتی که میبایست الکلیها را تحت درمان قرار دهد و همچنین افرادی که میبایست از آنها پرستاری نمایند کافسی نباشند.^{۱۷}

برحسب مطالعاتی که کین برگ

بیار آورد زیرا عده افرادی که بعلت مستی محکوم شدند درمدت کوتاهی دوبرابرشد، یعنی عده محکومان که در سال ۱۹۵۴ فقط ۴۱۰۰۰ نفر بود، در سال ۱۹۵۶ به ۷۹۰۰۰ نفر افزایش یافت.^{۱۴}

این جرم شناس سوئدی، میافزاید نتایج مطلوبی که بخاطر محدودیت درفروش الکل درمدت ۳ سال بدست آمده بود و درعرض ۱۵ ماه نابود شد و عادتتی را که مردم بخود داری از آشامیدن مشروبات الکلی درخود ایجاد کرده بودند و فهمی را که درسورد زیان آنها داشتند بکلی از دست دادند، از طرفی محکومیتهای فوق تنها نتیجه عمل نادرست رفع محدودیت درفروش الکل نبود بلکه

(O. Kinberg) اینگ (G. Ingh) ولیندبرگ (T. Lindberg) درانستیتوی جرم شناسی دانشگاه استکهلم در روی رابطه بین جرم و الکلیسم انجام دادند به نتایج قابل ملاحظه ای رسیدند. این مطالعه که در روی ۷۱۱۵ نفر ۶۶۱۲ مرد و ۵۰۳ زن انجام گرفته بود افراد ذیل را شامل میشود:

کسانی که محکومیتهای مشروط داشتند که گاه محکومیتهایشان با «آزادی تحت نظر» توأم بود افراد محروم از آزادی زندانیان سازمانهای اقدامات تأسیسی محکومان مجبور باقامت در سازمانهای مخصوص جوانان افراد معاف از مجازات بعلت اختلالات روانی^{۱۸} افراد مورد مطالعه بملل ذیل محکوم شده بودند^{۱۸}:

- ۱ - درمیان افرادی که مرتکب جنایات جنسی و سوء قصدهای بزور و عنف شده بودند عمده معتاهان بیش از همه بود. این افراد پس از ارتکاب جرم بدام اعتیاد و مسمومیت الکلی دچار شده بودند.
 - ۲ - تظاهرات مستانه در سلاخ عام توأم با خشونت و متیزه جوئی.
 - ۳ - ارتکاب جرم در حالت مستی.
 - ۴ - جرم رانندگی بعلت مستی.
- درمیان محکومان فوق جرم سوء قصد علیه مالکیت کم بود در حالیکه دزدی رقم متوسطی را نشان میداد درمیان مرتکبان سوء قصدهای اخلاقی الکلیهای مزمن زیاد بیچشم نمیخورند، در حالیکه افرادی که در لحظه ارتکاب جرم دچار مسمومیت مستی بودند زیاد بود (۲۰).

یکی از نتایج مطالعات فوق آن بود که در میان برخی طبقات اجتماعی که جرم کمتر رخ میدهد بخوبی اثبات شد که الکلیسم مزمن و الکلیسم در نتیجه ارتکاب جرم درمیان

مرتکبان جرم فراوان میباشد. عبارت دیگر رقم الکلیهای مجرم و مجرمینی که معتاد بالکل شده بودند در میان کلیه بزهکاران بسیار قابل ملاحظه بود.

کین برگ میافزاید این مطالعات بخوبی اثبات کرد که افراط در نوشیدن الکل رابطه بسیار مستقیم با جرم جوانی دارد، ضمناً معتادان بالکل تقریباً مرتکب جرائم مخصوصی میشوند، از طرفی قدرت مقاومیشان در برابر تحریکات بسیار کم میگردد مضافاً بآنکه بزهکاران بسادگی بدام اعتیاد میافتند^{۱۹}.

رنه رستن (René Resten) مینویسد که در میان ۶۱ نفر زندانی بالغ که مورد امتحان قرار گرفته بودند فقط پنج نفر الکلی عادی یافت میشد در حالیکه ۹۲٪ از مجرمین از الکلیستههای مزمن بودند.

از این ۶۱ نفر پانزده نفر تحت تأثیر الکل دست بجرم زده بودند که میتوان آنها را بترتیب ذیل تقسیم نمود:

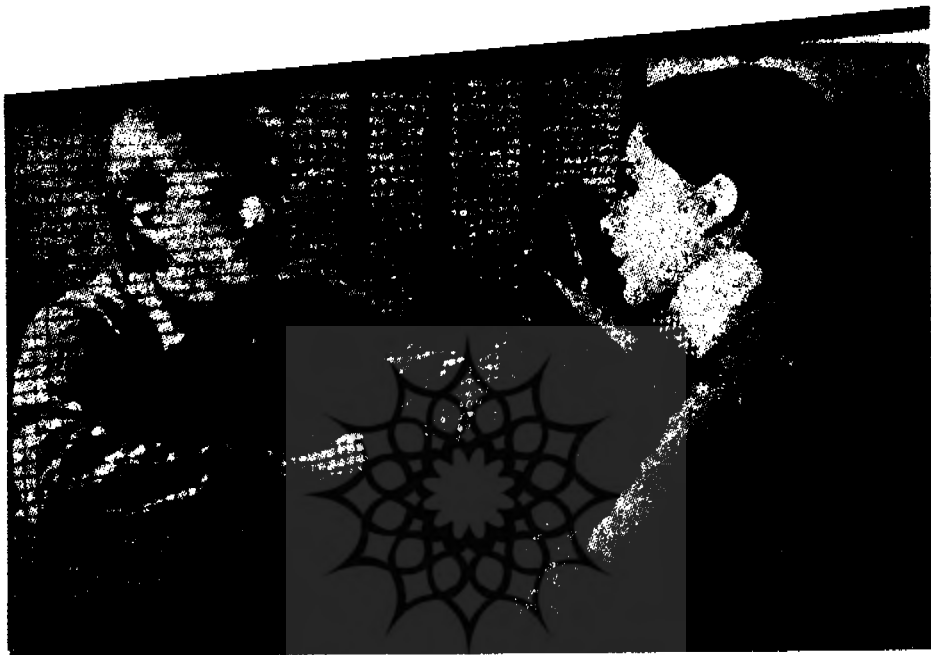
ضرب و جرح و تجاوز ارادی ۶ نفر از ۹ نفر دزدی ۴ نفر از ۲ نفر سوء قصدهای اخلاقی ۴ نفر از ۲ نفر آدمکشی ارادی ۱ نفر از یک نفر

لدرسن (S. Lederemann) در اثر مشهور خود «الکل و الکلیسم» مینویسد^{۲۰}:

در سال ۱۹۰۳ در منطقه (Iucques) در ایتالیا ۷۰٪ از ضرب و جرحها، جرائم وحشتناک و خونریزیها از الکل ناشی میشدند در سال ۱۹۱۰ شارپانتیه Charpentier ولی (Ley) نتایج مستی را در فرانسه بترتیب ذیل نشان دادند:

۹۰٪ از خسارتهای وارده باشیاء مورد استفاده عموم.

۷۰٪ درضد از نافرمانیها و اهانت بمأمورین دولت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵۶٪ از ۱۵۴ مرد و ۲۱٪ از ۴۳ زن زندانی تحت تأثیر الکل دست بجرم زده بودند^{۲۰}

رنه رستن سینیوسد : بطور خلاصه سه چهارم از مجرمین و جنایتکاران بالغ تحت نفوذ الکل دست بجرم زده اند . زابوسینیوسد که در بیشتر زندانهای فرانسه نسبت بزهکاری که تحت تأثیر الکل مرتکب جرائم گوناگون شده و بزندانهای درازمدت محکوم شده اند . ۶۰ تا ۷۲٪ از مردان و ۵۶٪ از زنان را شامل میشود .^{۲۱}

همانطور که گفته شد الکل حالت پرخاشگری را در افراد ایجاد میکند و از انسانهای عادی سازگار و خوش اخلاق موجوداتی خشن ، عصبانی و بیرحم میافریند .

۵۰٪ از جرائم ضرب و جرح ، سوء قصد های اخلاقی ، آتش سوزی های ارادی ، تجاوز و غضب

در سال ۱۹۲۹ روزه دو فورساک (Rouges de fursec) و کارون ثابت کردند که یک سوم از جنایات بعلمت مستی ایجاد شده اند^{۲۲}

در سال ۱۹۵۱ در زندان فرن (Fresnes) واقع در مرکز تریایژ (Triage) دکتر یادونل (Badonel) از ۲۵۰ زندانی که سه سال زندان با اعمال شاقه محکوم شده بودند

یک نسبت ۶۰٪ بدست آورد که الکل نقش مهمی در ایجاد جرم ایفا کرده بود .^{۲۴} برحسب یک بررسی در زندان (Rennes)



برای اثبات این امر کافیت اشاره شود که از ۹۳ مجرمی که دست بتعرض وپرخاشگری زده و توسط ارنست (Ernst) مورد امتحان قرار گرفته بودند فقط سه نفر یافت میشدند که تحت نفوذ الکل ترار نداشتند و در حالت عادی مرتکب جرم شده بودند^{۲۷}

آماری را که زیلیگ ارائه میدهد بهترگویای واقعیت فوق است . زیلیگ مینویسد^{۲۸} :

دوائر مطالعاتی که بین سالهای ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹ روی کلیه جنایات و جرائم ناشی از اثر الکل در باویر (Baviere) صورت گرفت نتایج ذیل بدست آمد :

۸۴٪ ضرب جرح ، فحاشی ، مقاومت در برابر ساموران ، خسارات مادی ، تهدید تجاوز بمسکن .

۴/۷٪ اختلاس و کلاهبرداری .

۴/۴٪ سوء قصدهای اخلاقی .

Malignac (G), "Alcoolisme" P. 32
 Ibid P. 32
 Szabo (D), "la criminologie" PP 249-250
 Ibid P. 250
 Karanika (D), "De l'alcoolisme en grèce" P. 77 et S
 Légal (A), "La prévention des infractions contre l'vie ou l'intégrité physique commises sous l'influence de l'alcool" P. 130
 Malignac, ouv. cit. P. 40
 Ferri, "La sociologie criminelle" P. 279.
 Caprio (F), "L'homosexualité de la femme" P. 165, soci
 Maxwell, "Le concept social du crime et senevolution" P. 24
 Caprio, ouv. cit. P. 166

12- Kinlierg, "Aluse alcoolique et délinquance" P. 132.
 13- Ibid. PP 136-137.
 14- Ibid. P. 137.
 15- Ibid. PP 137-138.
 16- Ibid. P. 138.
 17- Ibid
 18- Ibid. P. 133.
 19- Ibid. PP. 133-134.
 20- Ibid. P. 134.
 21- Ibid. P. 135.
 22- René Resten, "Caractéologie criminelle" P. 104.
 23- Ibid. P. 104.
 25- Ibid. P. 105.
 26- Szabo, ouv. cit. P. 256
 27 - Seelig «Traoté Do Criminologie» P. 97.
 28- Ibid. P. 97.